باباطاهر عریان بنّای قابلی هم بود!

بخش سوم و پایانی

جمشید سروشیار

مقدمه و چهار باب نخستین کتاب طاهر وقف بر اثبات یکی بودن یا به تعبیر مؤلف، این همانی طاهر جصاص و باباطاهر عریان است. در باب چهارم که عنوان «یک طاهر نه بیشتر» دارد، نویسنده به سه نکته که در منابع عربی نیامده و در منابع فارسی هست، پرداخته است. از این سه نکته یکی لقب «بابا» است که از منابع قدیم، راوندی و حمدالله مستوفی آن را با نام طاهر به کار برده‌اند اما عین‌القضات پیش از نام طاهر نیاورده است. بعدها در تذکره‌های فارسی همه این پیشنام را که معادل شیخ و پیر است جلو نام طاهر آورده‌اند. آقای پورجوادی می‌گویند: «هیچ نشانه‌ای در دست نیست که این لقب پیش از سلجوقیان در مناطق غرب ایران به کار رفته باشد. احتمالاً این لقب ... از قرن ششم به بعد متداول شده است» (باباطاهر: ۸۵). مؤلف در چندین صفحه پیش از این اظهارنظر از باباجعفر ابهری (درگذشته ۴۲۸) از معاصران و معاشران طاهر یاد کرده‌اند که یک قرن پیش از سده ششم می‌زیسته است (باباطاهر: ۶۴)! اطلاع از تاریخ ورود این پیشنام را در آثار صوفیان، رک: باباطاهر نامه؛ ۱۲۸. «عریانی» نیز صفتی است که در تذکره‌هایی چون عرفات‌العاشقین و مجمع‌الفصحاء در پی نام باباطاهر آمده است. استاد صفت عریانی را با شخصیت طاهر جصاص قابل تطبیق دانسته‌اند و توضیحی تاریخی و تذکری ظریف در باب آن داده‌اند. فرموده‌اند: «عریانی در میان برخی از زاهدان و عقلای مجانین دیده شده است. اهل صفه که الگوی صوفیه به شمار می‌آمدند، بیشتر برهنه بودند و خود را در میان ریگ پنهان کرده بودند... در واقع علت اینکه این قبیل زُهاد را عریان می‌خواندند نه این بوده که کاملاً لخت بودند بلکه به این جهت بوده که سر و پا برهنه بودند و فقط لنگی به کمر خویش می‌بستند. می‌توان حدس زد که طاهر نیز به همین وضع بوده، البته در تابستان‌ها و الا در زمستان سرد همدان می‌بایست از لباس گرم‌تری استفاده می‌کرده است، لباسی که پر از شپش بوده... است»! (باباطاهر: ۸۵ و بعد) نکته سوم که از دو نکته پیشین مهمتر است، بلکه اساساً نکته مهم همین است، شاعری اوست. چه در زبان و ادب پارسی چهره شاعرانه و شورانگیز باباطاهر مطرح انظار است نه قیافه صوفیانه مجنونی عبوس چون طاهر جصاص که شمار همانندان او «آنچه مسطور شده از هشتاد هزار گذشته و به صد و بیست و چهار هزار... خواهد رسید» (تاریخ گزیده، چاپ نوائی: ۶۷۸). آخرین اظهارنظر استاد در آخر باب چهارم کتاب درباره شاعریت طاهر جصاص که همان باباطاهر عریان است، این است که هیچ حکم قطعی درباره شاعری طاهر نمی‌توان کرد ولی می‌توان پنداشت باباطاهر جصاص از طبع شعر برخوردار بوده و به زبان محلی خود که فهلوی بوده ابیاتی سروده باشد». (باباطاهر: ۹۲) اقوی دلیل بل تنها دلیل آقای پورجوادی در یکی کردن این دو طاهر این است که در بعضی نسخه‌های یکی از نامه‌های عین‌القضات از «طاهر جصاص» با مضاف الیه «ما» یاد شده است: «طاهر جصاص ما» (نامه‌ها: ۱۰/۲) استاد با ذکر این نکته، گفته‌اند: «در جایی که عین‌القضات طاهر جصاص را از خود دانسته، هرگونه تردیدی بیجاست» (باباطاهر: ۵۰) شاید تردیدی نباشد اما تردیدی که بر جای خویش است در یکی بودن طاهر عین‌القضات و طاهر شاعر است. دلیل استاد چیست؟ می‌دانیم که عین‌القضات مردی شاعر و «شعرباره» بوده است و تمهیدات و مجموع نامه‌های او هر کدام سفینه‌ای از گزیده‌ترین شعرهای دل‌انگیز تازی و پارسی و فهلوی و اورامه است. با این وصف آیا غریب نیست که صاحب ذوقی مرید از آن پیرمراد که شیخ مشایخ او و تربتش قبله حاجات او بوده است، نه بسیار بلکه حتی یک مصراع در آثار خویش به تبرک نیاورده است؟ علت معلوم است: طاهر جصاص شاعر نبوده است. این فهلویات از کس (و بعضی از کسان) دیگر و روزگارانی پس از جصاص و عین‌القضات است. به گمان نویسنده این سطور، این شاعر فهلوی سرا پس از سال ۷۳۰ و پیش از سال ۸۴۸ ظاهر شده است. تاریخ نخستین، سال تألیف تاریخ گزیده حمدالله مستوفی و تاریخ دومین، سال تدوین سفینه موزه قونیه است که تاکنون قدیمی‌ترین مجموعی است که شماری از دوبیتی‌های باباطاهر را دربر دارد. در مجموعه‌ها و سفینه‌ها و آثار کهن‌تر که تا این زمان شناخته شده است، فهلوی یا فهلویاتی با نام باباطاهر نیامده است. آقای پورجوادی فرموده‌اند: «تا پیش از قرن هشتم تنها کسی که از شاعری باباطاهر یاد کرده شمس قیس رازی صاحب المعجم فی معائیر اشعار العجم است» (باباطاهر: ۹۱). راقم این سطور در دو چاپ المعجم (چاپ مدرس رضوی و شمیسا) نام باباطاهر را نیافتم؛ ظاهراً مأخذ استاد یکی از نسخه‌های خطی کتاب است(؟) اما علت اینکه ما ظهور او را پس از سال ۷۳۰ (سال تألیف تاریخ گزیده) قرار دادیم، از آن روست که مؤلف این کتاب که بخشی از آن را به ذکر مشاهیر شعرای عجم که به زبان پارسی و پهلوی شعر گفته‌اند، مخصوص کرده، از پهلوی‌گویان همدان که «اشعار پهلوی خوب» دارند تنها عزالدین همدانی را نام می‌برد که معلوم می‌شود در آن زمان از طاهر شاعر فهلوی‌گوی نامی در میان نبوده است. اما در فصل چهارم از باب پنجم کتاب که در ذکر مشایخ است در پایان فصل، جماعتی را یاد می‌کند که مجرد نامشان معلوم است و زمان وفات و لطایف سخنانشان به دست نیامده است. نام باباطاهر در شمار این ناشناسان است (ص ۶۷۷). درباره هویت گوینده این دوبیتی‌ها در همان محدوده زمانی که یاد شد، نویسنده این سطور دو حدس می‌توانم زد. نخست آنکه شاید یکی از دلباختگان و سرسپردگان آستان طاهر جصاص تکمیل فضائل حضرت شیخ را مجموعی از فهلویات سرگردان همدان و پیرامون را دست‌چین کرده و در دفتری به نام دیوان طاهر تدوین نموده باشد و علت این حرکت اقبالی بوده است که مردم آن سامان و اطراف به اینگونه شعر داشته‌اند، چنانکه شمس قیس رازی در اوایل سده هفتم می‌نویسد: «... کافه اهل عراق را از عالم و عامی و شریف و وضیع به انشاء و انشاد ابیات فهلوی مشعوف یافتم و به اصغاء و استماع ملحونات آن مولع دیدم، بلکه هیچ لحن لطیف و تألیف شریف... دل و طبع ایشان را چنان در اهتزاز نمی‌آورد که: لحن او را من و بیت پهلوی/ زخمه رود و سماع خسروی» (العجم فی معائیر اشعار العجم، چاپ سیروس شمیسا: ۱۹۴). و راوندی که بیشترین سال‌های عمر را در همدان گذرانده از مردی یاد می‌کند به نام نجم دوبیتی به نوشته او: «اسبابی نیکو داشت، صرف کردی بر اهل هنر و با دوات و قلم طوف می‌کردی تا کجا دوبیتی یافتی، بنوشتی. بعد از او املاک و اسباب هیچ بنماند... وارثان و برادران پنجاه من کاغذ دوبیتی قسمت کردند!» (راحه الصدور: ۳۴۴). باری اگر حدس ما در باب جعل این دوبیتی‌ها (مانند جعل در بسیاری از زمینه‌های دیگر) در روزگاران بعد به نام باباطاهر عریان همدانی شاذ و غریب و در ردیف تصورات باطل و خیالات محال تلقی نگردد، مؤید آن، گویش غریب این دوبیتی‌هاست. بدین معنی که به هیچ گویش معینی از این نواحی مرتبط نیست بل به نظر می‌آید که گوینده از همه آنها وام گرفته باشد. تحلیل مفصل کارل هدنک به روشنی این درهم‌آمیزی گویش‌ها را در این دوبیتی‌ها ثابت کرده است (زیست‌نامه باباطاهر، مینورسکی، باباطاهر نامه: ۱۱۸). حدی دیگر: اگر آنچه گفته شد، حدسی غریب بود، باید به وجود شاعری هم در آن زمان (نیمه دوم سده هشتم و اوایل قرن نهم) قول نمود که مبلغی از فهلویات سروده در همدان (نه آن مقدار که در مجموعه شادروان وحید دستگردی آمده است) از گفته‌های اوست و وقایع زندگانی وی که شاید درویشی شوریده‌رنگ و قلندر بود ظاهراً با حکایاتی از سرگذشت طاهر جصاص در ذهن و خاطره مردم در روزگاران بعد درهم آمیخته و از او چهره‌ای افسانه‌وش برساخته که هیچ به شمایل حقیقی او نمی‌ماند: باباطاهر عریان! باب پنجم (نه چهارم چنانکه به سهو در مقدمه، صفحه ۲۳ ذکر شده است) صرف تأیید اصالت و تعریف و تحلیل رساله «اشارات» یا «کلمات» شده است. مؤلف بعید نمی‌داند که این مختصر همان کتاب «احکام‌المریدین» طاهر جصاص باشد که البته این «جزو» بدان کتاب «هفت جزوی» نمی‌ماند، محتوا نیز شبیه کتاب‌های «احکام» قوم نیست. طاهر بیش از یک تصنیف داشته است که اگر بناست این رساله از او باشد، شاید یکی از آن تصنیفات بوده باشد. باری اینکه استاد نام «کلمات» یا «اشارات» را بر این رساله مجعول می‌شمارند (باباطاهر: ۹۵) ادعایی بی‌دلیل است نیز بنابر قول ایشان، طاهر در تصوف به مکتب صوفیان بغداد وابسته بوده است (باباطاهر: ۱۴۰). با این وصف، به جای این همه سخنوری در این باب، سخت بجا بود که به ذکر نمونه‌هایی از تأثیر صاحب این رساله از آثار اصحاب صاحب‌نام آن مکتب می‌پرداختند. از افادات نو و بروز استاد در این باب نمونه‌ای آورده می‌شود. در متن آمده است: «الصوت الرخیم و النغمه الرقیقه جل من الدنیا الی الاخره و متصل بسر المعنی الذی لایعرف منه غبیر اسمه» و پارسی آن «آواز و نغمه نرم ریسمانی است از این جهان دیگر (= از دنیا به آخرت) و پیوسته به راز معنایی که از آن جز نامی شناخته نیست». ایشان واژه «آخرت» را به «عالم روحانی و ملکوتی» (؟) معنی کرده و گفته‌اند: «این یکی از عمیق‌ترین و دل‌انگیزترین سخنانی است که می‌توان در فلسفه موسیقی و به طور کلی فلسفه هنر بیان کرد» سپس برای ارتباط پیدا کردن با عالم روحانی و ملکوتی توصیه کرده‌اند که: «شخص باید از لذایذ جسمانی دست بردارد تا چشم و گوش و ذائقه معنویش به عالم روحانی و ملکوتی باز شود» (باباطاهر: ۱۲۳). «باز شدن ذائقه معنوی» یعنی چه؟ باب ششم و آخرین باب کتاب «مسأله اشعار باباطاهر» است. بحث در تحقیق سروده‌های باباطاهر بی‌تردید اصلی‌ترین و مهم‌ترین مسأله است، اما کاشکی استاد اصلاً این باب را نمی‌گشودند و کتاب خود را به پنج باب به نام مقدس پنج تن- صلوات‌الله علیهم اجمعین- ختم می‌نمودند تا بیشتر- به فرموده سعدی- به ملال نینجامد! در این باب عمده مطالب از مجموعه ممتع باباطاهر نامه اذکایی است اما لابه‌لای این مطالب نیز گاه مؤلف به تکرار سخنان پیشین خود یا بحث‌هایی چون مقایسه شعر باباطاهر و خیام می‌پردازند. شاید خواننده بپرسد مگر جز اینکه قالب شعر این هر دو چهار مصراعی است، شباهت دیگری هم میان شعر این دو هست و استاد پاسخ می‌دهند: آری و در حدود چهل سطر به شرح می‌پردازند و در آخر به این نتیجه می‌رسند که: «تفاوت‌های طاهر و خیام به مراتب بیش از شباهت‌های ایشان با هم است. خیام از حیرت سخن می‌گوید و طاهر از مهر و دوستی»! (باباطاهر: ۱۳۱ و بعد) البته شباهت‌هایی که ایشان میان خیام و طاهر دیده‌اند، میان این دو و رودکی و فردوسی هم می‌توان دید.

بحث نفس‌گیر دیگری که در این باب آقای پورجوادی پیش کشیده و به رغم خویش بر رقیبان پیشین غالب آمده‌اند، حل معمای این دوبیتی است: موآن بحرم که در ظرف آمدستم/ موآن نقطه که در حرف آمدستم؟ به هر الفی الف قدی بر آید/ الف قدم که در الف آمدستم. بعضی محققان اساساً در انتساب این دوبیتی به باباطاهر تردید نموده‌اند (جست‌وجو در تصوف ایران، زرین‌کوب: ۴۰۰) اما آقای پورجوادی گفته‌اند: «فقط شخصی در حد و اندازه شاعر و صوفیی همچون باباطاهر می‌تواند سروده باشد» (باباطاهر: ۱۶۱) و دو صفحه بعد تردید نموده و فرموده‌اند: «بعید نیست که این دوبیتی جزو سروده‌های خود او باشد»! از این دوبیتی نخستین بار مهدی خان کوکب با محاسباتی بر اساس ارزش عددی حروف ابجد، عدد ۳۲۶ را استخراج کرده و آن را تاریخ تولد باباطاهر دانسته است: ناقل سخن کوکب، مینورسکی است که این سخن را «تعبیر نهایت غریبی» شمرده است (باباطاهر نامه: ۱۱۶) و شادروان علامه قزوینی (یادداشت‌های قزوینی: ۲۸۱/۵) این توجیهات را «از قبیل خیالات بنگیان و چرسیان» به حساب آورده است. سال‌ها بعد (=۱۳۰۸ خورشیدی) شادروان رشید یاسمی با رد محاسبه کوکب، با توجه به معتقدات زرتشتی مبنی بر سه موعد در رأس هزاره‌های فرجامین جهان، تولد باباطاهر را در رأس هزاره (= سال ۱۰۰۰ میلادی) که اول دسامبر با آغاز محرم ۳۹۱ هجری مصادف بود، دانست. نظر شادروان رشید یاسمی را استاد مینوی به باد استهزا گرفت (باباطاهر نامه: ۸۲). شادروان زرین‌کوب (نه اذکایی چنانکه آقای پورجوادی پنداشته‌اند) تدقیقات کوکب و یاسمی را از تمحلات و تکلفات غریب شمرده‌اند (جست‌وجو در تصوف ایران: ۴۰۰) اما جناب پورجوادی، اولاً سخنان کوکب و یاسمی و مینورسکی و قزوینی و مینوی را همه بحث‌های بیهوده خوانده‌اند (باباطاهر: ۱۶۱) ثانیاً با استمداد از ریاضی و حکمت سهروردی و استدلالات مفصل به جایی رسیده‌اند که سخنانشان الحق و الانصاف در غرابت هیچ کم از حرف‌های آن دو ندارد. شرح این چهار مصراع چهار صفحه کتاب را فرا گرفته است که ما رعایت حال خواننده تنگ حوصله را از پرداختن بدان می‌پرهیزیم. آقای پورجوادی در این باب به «بررسی مضامین فهلویات» هم پرداخته‌اند که مأخذ ایشان باید نسخه قونیه باشد که استاد مینوی به خط خود با زیر و زبر به دقت تمام بازنویسی نموده و در مجله دانشکده ادبیات تهران (دی ماه ۱۳۳۵) به چاپ رسانده‌اند. این دوبیتی‌ها عیناً به خط استاد در تاریخ ادبیات صفا و لغتنامه دهخدا ذیل احوال باباطاهر نیز نقل گردیده است. متأسفانه استاد پورجوادی ظاهراً به این نسخه مراجعه ننموده‌اند چون روایت ایشان از این دوبیتی‌ها با نسخه استاد مینوی تفاوت‌هایی دارد. گاه نیز به تصحیحاتی دست برده‌اند که نمونه را به نقل یک مورد می‌پردازیم و این مقال پرملال را به پایان می‌بریم. در مصراع نخست این فهلوی: بشم بالوند دامان مو (؟) نشانم/ دامن از هر دو گیتی‌ها و شانم (باباطاهر: ۱۵۱) گفته‌اند: «در ضبط مینوی «مو بنشانم» بوده (چنین نیست، ضبط «نشانم» است) که معنای روشنی ندارد. مهرداد بهار حدس زده است که شاید به جای «مو»، «خو» باشد به معنی «خو» ولی نه «مو بنشاندن» در اینجا معنی درست می‌دهد نه «خود نشاندن». احتمالاً این کلمه، «مهر» بوده و شاعر می‌خواسته است به کوهپایه برود و درخت دوستی و مهر بنشاند. با کاشتن درخت مهر است که او می‌تواند دامن خویش را از هر دو گیتی بتکاند» (باباطاهر: ۱۵۱) با گذاشتن «مهر» در دامان الوند البته وزن مصراع ثقیل و با میزان عروض شمس قیس ناسازگار می‌گردد گرچه اصلاً میزان فهلویات عروض شمس قیس نیست. ایراد اصلی کاشتن درخت مهر در دامان کوه است و بعدش هم دامن تکاندن؟ والسلام.

منبع: جهان کتاب. سال بیست و یکم. شماره ۹

آگهی

هیأت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

برابر رأی شماره ۱۳۹۸۶۰۳۱۱۰۰۱۰۱۴۰۶ مورخ ۹۸/۶/۳۱ هیأت اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شیراز ناحیه ۱ تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی عبداله مرادی فرزند اله‌داد به شماره شناسنامه ۲۱۴ و کد ملی ۲۲۹۴۰۰۲۱۲۱ صادره از شیراز در ششدانگ یکباب مغازه به مساحت ۱۹/۶۳ مترمربع پلاک ۶۸۴۸۲ فرعی از ۱۶۵۲ اصلی مفروز و مجزی شده از پلاک ۵۴۳ فرعی از ۱۶۵۲ اصلی واقع در بخش چهار شیراز خریداری از مالکین رسمی محمدعلی زارع و حیدرعلی زارع و قنبرعلی زارع محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۹۸/۸/۱۱
تاریخ انتشار نوبت دوم : ۹۸/۸/۲۶

۹۱۶۶/م الف

رئیس ثبت اسناد و املاک ناحیه ۱ شیراز
حمید کشاورز

هیأت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

برابر رأی شماره ۱۳۹۸۶۰۳۱۱۰۰۱۱۵۲ مورخ ۹۸/۵/۲۳ هیأت اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شیراز ناحیه ۱ تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی کاظم درازی فرزند عبدالرسول به شماره شناسنامه ۴۷۱۲۶۵۸۸۳۵ و کد ملی ۴۷۱۲۶۵۸۸۳۵ صادره از بحرین در ششدانگ یک قطعه باغ به مساحت ۱۱۰۱۰۲/۹۹ مترمربع پلاک ۱۳ فرعی از ۸۳ اصلی مفروز و مجزی شده از پلاک ۸۳ اصلی واقع در بخش هفت حوزه ثبت ملک شیراز خریداری از مالک رسمی حصه مشاعی خودش برابر سند شماره ۲۸۹۴۰۱ مورخ ۹۶/۵/۵ دفتر ۸ شیراز محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۹۸/۸/۱۱
تاریخ انتشار نوبت دوم : ۹۸/۸/۲۶

۹۱۶۷/م الف

رئیس ثبت اسناد و املاک ناحیه ۱ شیراز
حمید کشاورز

هیأت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

برابر رأی شماره ۱۳۹۸۶۰۳۱۱۰۰۱۳۷۵ مورخ ۹۸/۶/۲۷ هیأت اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شیراز ناحیه ۱ تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی محمدجواد خوش‌نیت فرزند محمدعلی به شماره شناسنامه ۳۸۵ و کد ملی ۲۵۲۹۵۸۳۸۴۶ صادره از استهبان در ششدانگ یکباب خانه به مساحت ۱۶۰ مترمربع پلاک ۶۸۴۹۲ فرعی از ۱۶۵۲ اصلی مفروز و مجزی شده از پلاک ۸۶۱۱ فرعی از ۱۶۵۲ اصلی واقع در بخش چهار شیراز خریداری از مالک رسمی رحیم سبحانی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۹۸/۸/۱۱
تاریخ انتشار نوبت دوم : ۹۸/۸/۲۶

۹۱۶۸/م الف

رئیس ثبت اسناد و املاک ناحیه ۱ شیراز
حمید کشاورز

هیأت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

برابر رأی شماره ۱۳۹۸۶۰۳۱۱۰۰۱۴۸۵ مورخ ۹۸/۷/۱۱ هیأت اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شیراز ناحیه ۱ تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی رقیه سبحانی فرزند غلامحسین به شماره شناسنامه ۷۸۲۲ و کد ملی ۲۲۹۱۳۹۹۹۱۸ صادره از شیراز در ششدانگ یکباب خانه به مساحت ۲۳۰ مترمربع پلاک ۹۶۵۷ فرعی از ۲۵۴۱ اصلی مفروز و مجزی شده از پلاک ۳۵ فرعی از ۲۵۴۱ اصلی واقع در بخش چهار شیراز خریداری از مالک رسمی سهم مشاعی خودش محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۹۸/۸/۱۱
تاریخ انتشار نوبت دوم : ۹۸/۸/۲۶

۹۱۶۹/م الف

رئیس ثبت اسناد و املاک ناحیه ۱ شیراز
حمید کشاورز

هیأت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

برابر رأی شماره ۱۳۹۸۶۰۳۱۱۰۰۳۶۰۰۱۶۹۶ مورخ ۹۸/۶/۲۵ هیأت اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شیراز ناحیه ٤ تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی علی‌اصغر خالصی فرزند حاجی خان به شماره شناسنامه ۲۱۸۰ صادره از شیراز در اعیانی سه دانگ مشاع از ششدانگ یکباب خانه به مساحت ۳۰۹/۰۵ مترمربع پلاک ۱۶۹۷۲ فرعی از ١٤ اصلی مفروز و مجزی شده از پلاک ۱ فرعی از ١٤ اصلی واقع در بخش ۳ شیراز که برابر با اجاره‌نامه اوقافی با حق احداث اعیان به آجاره متقاضی برگزار شده، محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۹۸/۸/۱۱
تاریخ انتشار نوبت دوم : ۹۸/۸/۲۶

۹۱۷۰/م الف

رئیس ثبت اسناد و املاک منطقه ٤ شیراز – شاپور زارع شیبانی

آگهی ابلاغ اجراییه کلاسه: ۱۳۹۸۰۴۰۱۱۱۲۳۰۰۱۱۷۳/۱

بدینوسیله به عبدالخالق ابراهیمی فرزند عبدالحسین کد ملی ۲۴۷۰۵۶۸۴۱۲ بدهکار پرونده کلاسه ۱۳۹۸۰۴۰۱۱۱۲۳۰۰۱۱۷۳/۱ که برابر گزارش به آدرس چهارراه زندان بلوار دولت غربی نبش ساسانی ساختمان دولت طبقه دوم واحد ۳ کدپستی ۷۱۵۸۶۶۵۱۴۱ شناخته نگردیده‌اید ابلاغ می‌گردد که برابر سند نکاحیه به شماره ۱۰۹۲۱ مورخ ۹۶/۹/۸ بین شما و مریم فضلعلی‌پور میزان یک جلد کلام‌اله مجید و یک شاخه نبات مقداری نمک طعام به ارزش ده هزار تومان و هزینه یک سفر زیارتی حج تمتع و تعداد یکصد و چهارده عدد سکه بهار آزادی طلا بدهکار می‌باشید که بر اثر عدم پرداخت وجه، بستانکار درخواست صدور اجراییه نموده پس از تشریفات قانونی اجراییه صادر و به کلاسه فوق در این اجراء مطرح می‌باشد لذا طبق ماده ۱۸/۱۹ آیین نامه اجرایی مفاد اسناد رسمی به شما ابلاغ می‌گردد از تاریخ انتشار این آگهی که تاریخ ابلاغ اجراییه محسوب است فقط یک نوبت در روزنامه عصرمردم چاپ شیراز، درج و منتشر می‌گردد ظرف مدت ده روز نسبت به پرداخت بدهی خود اقدام و در غیر این صورت بدون انتشار آگهی دیگری عملیات اجرایی طبق مقررات علیه شما تعقیب خواهد شد.

۹۱۷٤/ م الف

رئیس اداره اجرای اسناد رسمی شیراز – حمید قرقانی